گسترش مراکز مشاوره برای جلوگیری از وقوع جرم

معاون اجتماعی ناجا با بیان اینکه تاکنون نیمی از کلانتری‌ها به مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی مجهز شده‌اند، گفت: هدف از راه‌اندازی این مراکز جلوگیری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها در سطح جامعه است.

به گزارش خبرنگار ما، سردار احمد نوریان روز چهارشنبه در مراسم دانش‌آموختگی دوره سی‌ونهم مشاوران، مددکاران اجتماعی و روانشناسان در ستاد فرماندهی ناجا گفت: این مراکز از سال ۷۲ پایه‌گذاری شدند و تاکنون نیمی از کلانتری‌ها دارای مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی هستند که تا اوایل سال آینده تمامی کلانتری‌ها از مشاوران مددکاران اجتماعی بهره‌مند خواهند شد. معاون اجتماعی ناجا با اشاره به اینکه در وهله اول کار این مراکز در کلانتری‌ها و سپس در پاسگاه‌ها انجام خواهد شد، ادامه داد: ایجاد رابطه نزدیک بین پلیس و مردم، خدمت به مردم، حل مسئله و آگاه‌سازی جامعه، برطرف کردن آسیب‌ها و تهدیدکننده‌ها و همچنین شناسایی ریشه‌ها، ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها از وظایف این مددکاران اجتماعی است.

معاون اجتماعی ناجا خاطرنشان کرد: پلیس باید به سرعت برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و شنیدن حرف‌های مردم وارد عمل شود و این مراکز مددکاری اجتماعی مستقر در کلانتری‌ها باید زمینه‌های لازم را برای شناسایی جرم و ارجاع آن به پلیس عملیاتی کنند. سردار نوریان افزود: کاهش بار قضایی، کمک به مراجعان به کلانتری، تلاش برای جلوگیری از بسترهای بروز آسیب‌های اجتماعی و کمک به گسترش فرهنگ مشاوره در کشور، حمایت روانی و اجتماعی به بزه‌دیدگان، قربانیان و خانواده‌های آنها از دیگر اهداف راه‌اندازی مراکز مشاوره در کلانتری‌هاست.

به گفته وی تاکنون ۷ هزار مددکار اجتماعی در کلانتری‌ها مشغول به کار شده‌اند و سالانه ۴۰۰ هزار نفر از مردم از خدمات آنها بهره‌مند می‌شوند و ۷۰ درصد پرونده‌های ارجاعی به مددکاران اجتماعی به مصالحه ختم شده است. سردار نوریان در پایان هم گفت: در پی این هستیم از شرکای اجتماعی و افراد متعهد در حوزه محله‌ای هر کلانتری استفاده کنیم و تشکیل هسته‌های مشاوره مردمی متصل به پلیس در دستور کار پلیس قرار دارد. از فرمانده ناجا درخواست کردیم در حوزه اجتماعی، درگاه‌های مجازی را افزایش دهیم تا خدمات پلیس بهنگام به جامعه ارائه شود.

آماده‌باش پلیس پیشگیری برای شب یلدا

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اعلام آماده‌باش این پلیس برای شب یلدا توصیه‌هایی را به شهروندان ارائه کرد.

سرهنگ کیوان ظهیری درباره اقدامات پلیس پیشگیری و کلانتری‌ها در شب یلدا به خبرنگار ما گفت: با توجه به اینکه از چند روز قبل از این شب خریدها برای شب یلدا آغاز می‌شود، مأموران پلیس پیشگیری حضور خود را در اطراف مراکز خرید نظیر بازار تهران، بازار تجریش و دیگر مراکز خرید افزایش داده‌اند. وی با بیان اینکه در شب یلدا نیز مأموران پلیس مستقر خواهند بود و نسبت به تأمین امنیت شهر و شهروندان اقدام خواهند کرد، ادامه داد: با توجه به اینکه در این شب سنت حسنه صله رحم اجرا می‌شود، لازم است شهروندان هنگام ترک منازل خود حتماً موارد ایمنی را رعایت و از باز گذاشتن درها و پنجره‌ها بعد از ترک منزل خودداری کنند.

یک کشته و ۵ زخمی در تصادف ۳ خودرو

تصادف تریلی اسکانیا و دو دستگاه سواری هایما و مگان در استان خوزستان یک کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت.

سرهنگ نادر رحمانی، رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا گفت: حوالی ساعت ۲۰:۳۰ شامگاه سه‌شنبه یک دستگاه تریلی اسکانیا در حال دور زدن در یکی از دوربرگردان‌ها در کیلومتر ۱۰ محور اهواز- آبادان بود که با یک دستگاه سواری هایما و سواری مگان برخورد کرد. در پی این حادثه یک تن در دم جان باخت و پنج نفر دیگر نیز به شدت مصدوم شدند. بررسی کارشناسان پلیس راه نشان داد راننده تریلی به دلیل عدم رعایت حق تقدم هنگام دور زدن به میزان ۵۰ درصد و اداره کل راه استان نیز به دلیل عدم ایمن‌سازی دوربرگردان به میزان ۵۰ درصد مقصر هستند.

دستگیری قاتل پس از قتل

مردی که در اهواز فردی را با اسلحه جنگی به قتل رسانده بود با تلاش مأموران دستگیر شد.

به گزارش ایسنا، سردار حیدر عباس‌زاده، فرمانده انتظامی خوزستان درباره این خبر گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع تیراندازی منجر به قتل در یکی از مناطق اهواز، بلافاصله مأموران پلیس راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد مقتول با اصابت گلوله سلاح جنگی به قتل رسیده است. پس از این مأموران متهم را شناسایی و وی را در مخفیگاهش دستگیر کردند. وی با بیان اینکه در بازرسی از مخفیگاه متهم اسلحه جنگی کشف شد، گفت: متهم در تحقیقات اولیه با اعتراف به قتل، انگیزه خود را اختلافات شخصی عنوان کرد. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

فرمانده پلیس تهران:

هزینه جرم برای مجرمان پایین است

محبوبه قربانی

اقدامات و تلاش پلیس بعد از دستگیری مجرمان وقتی اثرگذار و نتیجه‌بخش خواهد بود که برخورد دستگاه‌ها و مسئولان مربوطه جدی‌تر باشد. سردار رحیمی فرمانده انتظامی تهران بزرگ در حاشیه پنجمین طرح دستگیری اراذل و اوباش و مزاحمین نوامیس با اشاره به این موضوع گفت: «با دستگیری مجرمان در سطح شهر، متوجه می‌شویم که اغلب دارای سابقه چندین‌بار زندان را داشته‌اند. معتقدم هزینه جرم برای مجرمان خیلی پایین است و به خاطر همین دوباره مرتکب جرم می‌شوند.»

به گزارش خبرنگار ما، سردار رحیمی درخصوص این طرح که در ۴۸ ساعت گذشته از سوی کلانتری محلات تهران بزرگ رقم خورد، گفت: «بیش از ۲۰۷ نفر از اراذل و اوباش، مخلین نظم و امنیت، قاچاقچیان سلاح و موادمخدر و افرادی که باعث رعب و وحشت مردم می‌شدند شناسایی و دستگیر شدند. از این افراد ۳۶ قبضه سلاح جنگی و شکاری کشف و ضبط، دو باند وارد کننده سلاح نیز منهدم شدند.»

پلمب ۱۳ واحد صنفی مراکز تجمع اراذل

سردار رحیمی به تخلف ۱۳ واحد صنفی اشاره کرد و گفت: «این واحدهای صنفی پلمب شده و ۳۰ تا ۴۰ واحد صنفی دیگر که به عنوان مراکز تجمع اراذل و اوباش بودند در شرف پلمب قرار گرفته‌اند.»

بازداشت آتش افروزان خودروها

سردار رحیمی با اشاره به عوامل آتش‌افروز خودروها در پایتخت و دستگیری آنها گفت: «افرادی که عامل آتش‌زدن خودروهای مردم در دو منطقه بهارستان و عبدل‌آباد بودند، بعد از تحقیقات لازم مشخص شد دچار اختلالات روانی هستند.» وی در ادامه به انهدام هشت گروه از اراذل و اوباش اشاره کرد و گفت: «اعضای این گروه مرتکب تخریب یا ایجاد مزاحمت می‌کردند یا عامل تخریب واحدهای صنفی بودند که با تلاش همکاران شناسایی و دستگیر شدند.»

هزینه جرم برای مجرمان پایین است

فرمانده نیروی انتظامی تهران درخصوص بازگشت به جرم مجرمان سابقه‌دار گفت: «برخوردها باید جدی‌تر شود، چراکه با دستگیری افراد متوجه می‌شویم اغلب سابقه چندین‌بار زندان را داشته‌اند. بنده معتقدم هزینه جرم برای مجرمان خیلی پایین است و به خاطر همین دوباره مرتکب جرم می‌شوند. مردم بدانند که پلیس عقب‌نشینی نمی‌کند و وظیفه خود را با قدرت ادامه خواهد داد.»

مهار موبایل قاپی

وی در ادامه توضیحات خود، در پاسخ به سؤالی درخصوص اینکه موبایل‌قاپی و سرقت‌های خرد در چه وضعیتی قرار دارند، گفت: «بعد از اجرای طرح‌های محله‌ای و رعد، موبایل‌قاپی مهار شده است، اما هنوز سرقت‌های خرد روند مثبتی را پیدا نکرده است. تلاشمان بر این است که در تمام نقاط شهر برخورد با سارقان، اراذل و اوباش و قاچاقچیان موادمخدر را به طور مستمر اجرا کنیم. همچنین در یکی دو هفته آینده کار تازه‌ای درخصوص جمع‌آوری معتادان متجاهر نیز انجام خواهد شد.»

مشکل تردد معلولان و ویلچرنشین‌ها از زیرگذر چهارراه ولیعصر باید حل شود

وی درخصوص جمع‌آوری میله‌های چهارراه ولیعصر(عج) گفت: «میلیاردها تومان هزینه‌شده تا جمعیت از طریق این مسیر زیرزمینی از چهارراه عبور کنند. در صورت بازشدن چهارراه بار ترافیکی شمالی، جنوبی، شرقی و غربی افزایش خواهد داد. همچنین برداشتن موانع و بازشدن چهارراه‌ولیعصر(عج) ممکن نیست، چراکه این چهارراه شلوغ‌ترین و پرحجم‌ترین چهارراه در پایتخت و کل ایران است.» سردار رحیمی در ادامه گفت: «تنها مشکلی که درخصوص زیرگذر باید به آن اشاره کرد، تردد معلولان و ویلچرنشین‌هاست که باید برای عبور لحظه‌ای آنها، دری قرار داد تا با ریموت باز شود و آنها عبور کنند. البته مسئولان شهرداری باید برای تردد آنها از مسیرهای زیرزمینی چهارراه ولیعصر(عج) آسانسور تعبیه کنند.»

برای سرقت زن جوان را ربودم

یکی از متهمان مرد ۲۷ ساله بود که به اتهام درگیری و شرارت در یک مغازه جگرکی در یاخچی‌آباد دستگیر شده بود. وقتی علت درگیری را جویا شدم، گفت من در درگیری نبودم و دوستم به خاطر کینه‌ای که داشت مرا معرفی کرد!

درگیری برای چه بود؟

علت درگیری را نمی‌دانستم. دوستم درگیر شد و برای حمایت از او با قمه وارد مغازه شدم. باور کنید به کسی آسیبی نرساندم.

سابقه داری؟

بله. درگیری و تخریب خودروی ۲۰۰ میلیونی.

پس سابقه آدم‌ربایی چه؟

آن هم نقشه یکی از دوستانم بود. او خانمی را زیر نظر گرفته بود که وضع مالی خوبی داشت. این شد که از من خواست تا او را در پوشش مسافر به یکی از باغ‌های حوالی تهران ببریم. بعد از چند روز تهدید مقرون به آزار، اموالش را سرقت و بعد آزادش کردیم.

چقدر وثیقه برای آزادی گذاشتی؟

۲۰۰ میلیون.

چرا دوباره مرتکب جرم شدی؟

اشتباه کردم.

حمل اسلحه درآمد خوبی داشت

دیگر متهم مرد میانسالی بود که به اتهام حمل اسلحه دستگیر شده بود. او به عنوان پیک برای حمل اسلحه درآمد خوبی داشت.

شغلت چیست؟

در شرکتی وابسته به ایران‌خودرو کار می‌کنم.

چرا اسلحه حمل می‌کردی؟

درآمدش خوب بود.

چقدر درآمد داشتی؟

برای هر جابه‌جایی داخل شهر ۵۰ هزار تومان می‌گرفتم و ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار تومان هم پورسانت می‌گرفتم.

برای چه کسی کار می‌کردی؟

صاحب اسلحه‌ها در تهران نبود. او خودش در تبریز بود و مشتری‌ها در تهران بودند.

قیمت اسلحه‌ها چقدر بود؟

دو میلیون تا سه میلیون.

کجا دستگیر شدی؟

در خانه و جلوی چشم زن و دخترم.

دست به چاقو بردن عادتم شده!

محمد جوان ۲۷ ساله بود که به سختی صحبت می‌کرد. او جوشکار بود و دو سابقه درگیری با سلاح سرد و گرم داشت.

چرا دستگیر شدی؟

با مردی اختلاف داشتم و دو ماه قبل با هم درگیر شدیم. در آن درگیری برای دفاع از خودم، در حالی که مست بودم دست به چاقو بردم و یک ضربه به صورتش زدم. تقریباً عرض صورتش را بریدم. او شکایت کرد و حالا بعد از دو ماه دستگیر شده‌ام.

چرا بعد از آزادی دوباره دست به اسلحه بردی؟

عادت کردم. تا کسی حرف می‌زند انگار باید با چاقو و قمه صحبت کنم.

فکر نمی‌کنی این رفتار تو باعث ترس کودکان محل می‌شود و آرامش آنها را سلب می‌کند؟

چرا. ولی...

حمله به کارگران شهرداری برای تخریب یک رستوران غیرمجاز

هشت متهم دستگیر شده در این طرح، کارگران یک رستوران در دربند بودند. رستورانی که غیرمجاز ساخته شده بود و قرار بود با حکم قانونی تخریب شود. یکی از آنها در توضیح ماجرا گفت: «در رستورانی مشغول کار بودیم. آن روز چند نفر آمدند و گفتند حکم تخریب دارند. نمی‌دانستیم رستوران غیرمجاز است، به همین دلیل وقتی صاحب رستوران از ما خواست به آنها اجازه کار ندهیم، بیرون رفتیم و درگیر شدیم. در آن درگیری با سنگ و چاقو به آنها حمله کردیم و بعضی از آنها زخمی شدند.»

ربودن برادر کوچک‌تر برای تصاحب ارثیه میلیاردی

افراد طمعکار همیشه زندگی ناآرامی دارند و به دیگران حسادت می‌کنند و از آنها کینه به دل می‌گیرند. طمع و حسادت اگر انسان را به هلاکت نرساند، باعث بروز خیلی از جرائمی می‌شود که در نهایت نتیجه‌ای جز پشیمانی به‌دنبال ندارد. دو برادر طمعکار برادر کوچک‌تر خود را برای تصاحب ارثیه میلیاردی ربودند و با جعل اسناد پزشکی او را در بیمارستان روانی بستری کردند، اما خیلی زود دستشان رو و دستبند بر دستانشان زده شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مرد جوانی به اداره پلیس رفت و از دو برادر بزرگ‌ترش به اتهام آدم‌ربایی برای تصاحب ارثیه میلیاردی پدرش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: پدرمان مرد پولداری بود و پس از فوتش املاک و اموال زیادی برای من و برادرانم به ارث گذاشت، اما از آنجایی که من پسر کوچک خانواده بودم و پدرم خیلی مرا دوست می‌داشت به همین خاطر مقداری از ثروتش را که دو ملک میلیاردی بود قبل از فوتش به نام من زد و همین موضوع باعث حسادت دو برادرم شد که با کار او مخالفت می‌کردند. در نهایت پدرم فوت کرد و من از این حادثه به شدت متأثر شدم و در همین زمان از همسرم به دلایلی جدا شدم. طبق دستور قاضی، مهریه همسرم را پرداخت می‌کردم تا اینکه ۱۱ روز قبل که در خانه بودم، زنگ خانه‌ام به صدا درآمد. وقتی آیفون را برداشتم مردی خودش را پستچی معرفی کرد و گفت: نامه‌ای برای من آورده است و خواست به جلوی در بروم و برگه تحویل نامه را امضا کنم. جلوی در رفتم و در حال امضاکردن برگه بودم که آمبولانسی به سرعت وارد کوچه ما شد و در نزدیکی من توقف کرد. سه مرد قوی‌هیکل از داخل آمبولانس بیرون آمدند و به طرف من حمله کردند صدای مرد آشنایی را شنیدم که می‌گفت: این بیمار خطرناکی است او را دستبند بزنید. سه مرد قوی‌هیکل به طرف من حمله‌ور شدند و من هم نفهمیدم چه برگه‌ای را امضا کردم که آنها مرا گرفتند و به داخل آمبولانس بردند و دستانم را به تخت دستبند زدند. هرچقدر به آنها گفتم اشتباهی گرفته‌اید و من بیمار نیستم، فایده‌ای نداشت تا اینکه آمپول آرامبخشی به من تزریق کردند به طوری که توان هیچ‌کاری را نداشتم و فقط چشمانم باز بود.

آدم‌ربایان به دستور برادرانم مرا ربودند

دقایقی بعد آمبولانس وارد بیمارستانی شد و سه مرد قوی‌هیکل مرا در بخش مراقبت از بیماران روانی بستری کردند. وقتی حالم بهتر شد به پزشک آنجا گفتم، مرا اشتباهی به بیمارستان آورده‌اند و اصلاً مشکل روانی ندارم و فقط به خاطر اختلاف با همسرم از او جدا شده‌ام، اما انگار آنها حرف‌های مرا نمی‌شنیدند و زمانی که شروع به داد و فریاد می‌کردم به من شوک می‌دادند و آمپول آرامبخش می‌زدند. ۱۰ روز آنجا بستری بودم و هر روز پرستاران به من شوک می‌زدند و دارو می‌دادند تا اینکه روز دهم برادرم را در بیمارستان دیدم که با پزشک آنجا در حال حرف زدن است. همانجا فهمیدم این نقشه را دو برادرم برای تصاحب اموالم طراحی و اجرا کرده‌اند. به سرعت به سراغ برادرم و پزشک رفتم و به او گفتم: برادرم برای من پرونده‌سازی کرده است، اما برادرم چندبرگه به پزشک نشان داد و گفت: ما قادر به نگهداری او در خانه نیستم، چون حالت خطرناک دارد.

با پوشیدن لباس پزشک از مرکز روانی فرار کردم

پزشک با دیدن برگه‌ها دستور دوباره بستری من را داد تا اینکه روز یازدهم هنگام ملاقات بیماران از فرصت استفاده کردم و روپوش سفید یکی از پزشکان را پوشیدم و به سرعت از بیمارستان گریختم و جانم را نجات دادم. پس از فرار از بیمارستان متوجه شدم، مأمور پستچی هم قلابی بوده است و من در آن شلوغی برگه‌ای را امضا کرده‌ام که در آن به دو برادرم وکالت تام داده‌ام و وقتی حساب بانکی‌ام را بررسی کردم، فهمیدم در آن ۱۱ روز دو برادرم با همان برگه وکالتنامه مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان از حسابم برداشت کرده‌اند و الان هم قصد دارند با همین وکالتنامه بقیه اموالم را تصاحب کنند.

دستگیری دو برادر طمعکار

پس از طرح این شکایت مأموران به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران در نخستین گام سه مرد آمبولانس سوار را شناسایی و بازداشت کردند. سه متهم در بازجویی‌ها مدعی شدند که پس از دیدن مدارک پزشکی شاکی به دستور دو برادرش او را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند. پزشک بیمارستان هم پس از احضار گفت: دو برادر شاکی مدارکی را به من نشان دادند که نوشته بود، شاکی دارای بیماری خطرناک روانی است، اما الان متوجه شدم آن مدارک جعلی بوده است. آنها همچنین فیلمی از شاکی به من نشان دادند که وی در حال گریه و زاری است که نشان می‌داد وی حال خوبی ندارد و الان فهمیده‌ام این فیلم در مراسم عزاداری پدرشان از شاکی گرفته شده که در حال گریه کردن بوده است. مأموران سپس دو برادر را به اتهام آدم‌ربایی و جعل اسناد بازداشت کردند و دو متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند. یکی از متهمان گفت: پدرمان مرد ثروتمندی بود، اما قبل از فوتش دو ملک میلیاردی خود را به نام برادر کوچک‌مان زده بود. همین موضوع باعث شد ما به او حسادت کنیم و به دنبال فرصتی باشیم تا سهم خودمان را از آن دو ملک بگیریم. به همین دلیل نقشه آدم‌ربایی و بستری او را به بهانه بیماری روانی طراحی و اجرا کردیم. قبل از آدم‌ربایی هم پستچی قلابی به در خانه‌اش فرستادیم و به بهانه تحویل نامه از او امضا گرفتیم تا در مدتی که در بیمارستان روانی بستری است اموال او را تصاحب کنیم. تحقیقات از دو متهم از سوی مأموران ادامه دارد.

یادداشت

باورهای اشتباه درباره اعتیاد

مهرداد افلاطونی- روانشناس

وقتی وابستگی و دلبستگی از یک چیزی به چیزی دیگر منتقل می‌شود، مسلماً میزان علاقه نسبت به مورد اول کمرنگ می‌شود و از بین می‌رود. کسی هم که به اعتیاد وابسته و مواد مخدر برایش نیاز تلقی می‌شود، حاضر است برای رفع نیاز خود دست به فروش اثاث منزل، زیورآلات همسر و حتی کودک خود بزند؛ یعنی احساس نیاز به مواد مخدر، بیش از خانواده برایش اهمیت پیدا می‌کند. رسیدن به «آرامش» شرط اصلی ازدواج است. افراد با تشکیل خانواده می‌خواهند به هویت اجتماعی برسند. متأسفانه برخی خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندشان با داشتن خانواده هویت اجتماعی قوی‌تری پیدا می‌کند، به همین علت با علم بر اعتیاد آنها و بدون طی کردن مسیر درمان برای او همسر اختیار می‌کنند تا با داشتن هویت اجتماعی، احساس مسئولیت کند و با انگیزه بالاتری به سمت‌وسوی درمان برود.

کسانی که مصرف‌کننده هر نوع مخدری هستند بعد از مدتی، دچار خمودگی، کسلی و سستی می‌شوند. این موارد موجب اخراج آنان از محیط کار و سرانجام بیکاری شده و در فعالیت‌های اقتصادی و موقعیت اجتماعی‌اش نیز خلل ایجاد می‌شود. اعتیاد باعث می‌شود شیرازه زندگی این افراد که نیازهای مادی و معنوی را شامل می‌شود از هم بپاشد. طبیعی است که در این حالت، افراد نقش خود را در خانواده از دست بدهند. کسی که به مواد مخدر وابستگی پیدا می‌کند از لحاظ جسمی، جنسی و معنوی نمی‌تواند به‌خوبی به خانواده رسیدگی کند؛ در این صورت محیط امن خانواده از هم می‌پاشد و جدایی و طلاق بین زوجین اتفاق می‌افتد. مواد مخدر ارتباط مستقیمی با طلاق دارد. زنان دارای همسر معتاد به علت تعهد اخلاقی، مدتی سیاست «سوختن و ساختن» را در پیش می‌گیرند، اما در نهایت خسته می‌شوند، چراکه آنان نیز حق زندگی سالم را دارند. آنها وقتی می‌بینند این سعی و تلاش بیهوده است در نهایت کم می‌آورند و تقاضای طلاق می‌دهند. ازدواج با فرد معتاد با این تصور که «تغییرش می‌دهم»، تصمیمی کاملاً اشتباه است. فرد معتاد نیز قبل از برقراری هر رابطه‌ای باید به‌طور کامل سالم شود و خودش را از اعتیاد رها کند تا بتواند زندگی خوب و آرامی داشته باشد.

قصاص مجازات قتل در پارک

حکم قصاص پسری که در جشن تولد، دوستش را به قتل رسانده بود در دیوان عالی کشور تأیید شد. متهم در صورتی که موفق به جلب رضایت اولیای دم نشود قصاص خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، دوم اردیبهشت سال ۹۳ مأموران پلیس از قتل پسر ۱۹ ساله‌ای به نام رضا در یکی از پارک‌های تهران باخبر و راهی محل شدند. وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند عامل قتل در حال حمل جسد بود که همراه یکی از دوستانش بازداشت شد. سعید تحت بازجویی قرار گرفت و در اظهاراتش با اقرار به قتل گفت: «سه سال قبل در جشن تولد دوستم پوریا به اصرار دوستانم مشروب خوردم و تا صبح از هوش رفتم. دو روز بعد پوریا مدعی شد آن شب مقتول به من تعرض کرده است. برای اطمینان از دوستان دیگر پرسیدم که همه تأیید کردند. سعی کردم ماجرا را فراموش کنم، اما هر بار دوستانم مرا تحقیر می‌کردند و خود رضا هم تیکه‌پرانی می‌کرد. این رفتارها مرا به فکر انتقام انداخت.» متهم در خصوص قتل گفت: «شب حادثه قرار شد با رضا به پارک برویم و در پارک شالی از پشت‌سر دور گردنش انداختم و کشیدم. او بیهوش روی زمین افتاد و از ترس اینکه به هوش نیاید با دو تسمه گردنش را محکم بستم و جسدش را پشت شمشادها رها کردم. به خانه رفتم و ماجرا را برای پدرم تعریف کردم. او قصد داشت با پلیس تماس بگیرد که از خانه فرار کردم و با پوریا به پارک رفتیم و در حال حمل جنازه بودیم که پلیس رسید.» بعد از این توضیحات متهم با توجه به اینکه ۱۷ سال سن داشت، روانه کانون شد و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده با درخواست قصاص از سوی اولیای دم متهم بنا به ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به حبس و پرداخت دیه محکوم شد، اما با اعتراض اولیای دم وی بار دیگر در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد که برای دومین بار به حبس و دیه محکوم شد. با اعتراض اولیای دم، متهم برای سومین بار در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت و در آخرین دفاعیاتش گفت: «باور کنید نقشه‌ای برای قتل نداشتم. نمی‌دانستم مجازات قتل قصاص است، توبه کرده‌ام و از خدا و پدر و مادر رضا می‌خواهم مرا ببخشند. می‌خواهم هر چه زودتر تکلیفم مشخص شود، زیرا محیط کانون برایم کلافه‌کننده است.» در پایان هیئت قضایی بنا به مدارک در پرونده متهم را به قصاص محکوم کردند و با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، در صورتی که متهم نتواند رضایت اولیای دم را جلب کند به زودی قصاص خواهد شد.